۱۲۴

سلسله درسهای عرفانی

هُوَ ۱۲۱

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

انسان یک شخصیت مستقل دارد و یک شخصیت وابسته. حالا اسم آن را گذاشتیم شخصیت مثل مثالی که در شیمی و آنهایی که خواندند می‌دانند، می‌گویند مثلاً ئیدروژن یک هسته دارد، یک دست دراز دارد که به دیگری دست بدهد. انسان هم یک «خودش» است و یک «جمع» است یعنی شما هم خودتان هستید وظیفه‌ی شخصیِ خودتان، درد و رنجِ شخصی خودتان، لذّت‌های شخصیِ خودتان. یک چیزی است لذّت و چیزهای دسته‌جمعی یعنی چون با یک عدّه‌ای هم‌عهد شده‌اید، با هم هستید. با تهرانی‌ها هم‌عهد شده‌اید که در تهران باشید، با هم گرما و با هم سرما را تحمّل می‌کنید. هر وقت یک مقداری از این تحمّل و همبستگی‌تان با تهرانی‌های دیگر کم شد، به همان اندازه مجموعه‌ی جمع‌بندی‌تان سست‌تر می‌شود یعنی در یک دهِ کوچکی وقتی گرما می‌آید، همه گرما می‌خورند. جز بعضی‌ها که می‌روند مثلاً کولر می‌خرند، یک نفری از آنهای دیگر جدا می‌شوند. این وحدت انسان‌هاست. وحدت یک‌طوری است که اگر بتوانید توسعه‌اش بدهید، بهتر است. البتّه با کسانی که هدف مشترک دارید، دلبستگی‌تان بیشتر بشود.

همه‌ی ادیان هم یک عرفانی دارند. عرفانِ این ادیان، این قسمتِ کار را انجام می‌دهد که تا هر اندازه بتواند، دل‌های مردم را به هم نزدیک کند. البتّه دل‌های‌شان که به هم نزدیک بشود، آن هدف و هماهنگیِ خودشان بیشتر می‌شود. ادیان هم یک‌طوری است که هر دینی که می‌آید دین قبلی را از بین نمی‌برد، تحقیر نمی‌کند بلکه همان روش را ادامه می‌دهد، عرفانش همینطور است. این است که می‌بینید عرفان اسلامی با عرفان مسیحی نزدیک‌تر است تا با خودِ مسیحی‌ها یا عرفان ایرانی با عرفان یهودی که خیلی از عرفا هم از عرفای یهودی بودند. برای اینکه هدف اینها در همان دینی که وابسته هستند، می‌خواهند جزء آداب آن دین، مردم را به هم نزدیک‌تر کنند. به‌خصوص ما که فرض کنید مسلمان هستیم و عرفان اسلامی را تابع هستیم و تأیید می‌کنیم، باید به این نکته توجّه داشته باشیم. به‌طریق اولیٰ وقتی که عرفان می‌خواهد همه‌ی بشر یک‌پارچه تابع اوامر خداوند باشد و یک‌پارچه همه‌شان به مخلوقات دیگر خداوند محبّت داشته باشند. این است که می‌بینید در اینجا چون به‌اصطلاح وحدت، هدف یکی است، نزدیک به هم است، البتّه ما

خدایی که داریم خدای واحد است یعنی خدایی است که قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ (سوره اخلاص، آیه ۱) تفسیر آن است. خدایی است که مسیحی‌های حالا نه ولی در آن دوران سه تا خدا بودند. می‌گوییم شما همان خدایی که قبول دارید، آن خدا همینی است که ما می‌گوییم. منتها شما آن را شقّه کردید، سه تا کردید وإلّا یکی است.

از اینجاست که خیلی‌ها وقتی از عرفان و تصوّف دم می‌زنند، صحبت می‌کنند، بعضی‌ها می‌گویند که اسلام، عرفانش را از مسیحیت گرفته، بعضی‌ها می‌گویند از یهود گرفته، بعضی‌ها هم می‌گویند خاطره‌ی زرتشتی است. اگر دقّت کنید در آن مسیری که آنها تحقیق می‌کنند، همه‌اش درست است یعنی ما می‌گوییم خدا که یکی است، چه خدا مال مسیحی باشد یا خدای ما باشد یا خدای آن یکی. از قدیم هم هست، از همان اوّل بوده. همان خدا می‌خواهد مردم را برای خودش رهبری کند، هدایت کند. هر کسی آن هدایت را یک‌طور می‌گوید، پس این اختلاف به اصلِ اختلاف خداوند برنمی‌گردد بلکه موجب می‌شود که همه‌ی این معتقدین به یک خداوندی، همان خداوندی که در راه او می‌خواهیم قدم بزنیم، همه‌ی اینها به هم نزدیک بشوند. اگر اینطوری است پس چرا اینها با هم بد هستند؟ البتّه این اختلاف در عرفای هر قومی کمتر دیده می‌شود در اهل شریعت شنیده می‌شود، شریعت به معنی آدابی است که خداوند مقرّر کرده. خدا می‌گوید: اگر می‌خواهید به من نزدیک بشوید و شکر بکنید و از قدرت من استفاده بکنید، به آن متّکی باشید، باید اینطور عبادت کنید، اینطور نماز بخوانید. هر کدام از این آداب در وقت خودش بهترین بوده. اسلام و اینکه گفته اینطوری نماز بخوانید، در فصل خودش بهترین طریق شکرگزاری به درگاه خداوند بوده. آن آدابی که در مسیحیت دارد همینطور، در زمان خودش بهترین آداب بوده برای اینکه مثلاً در دورانی که برای هر چیزی یک خدا قائل بودند؛ خدای ابر، خدای باران، خدای زلزله، خدای آفتاب، این همه خدا قائل بودند، یک‌مرتبه اگر مردم خودشان می‌گفتند نه، پس نمی‌شود، یک خدا باشد. حالا ما چانه می‌زنیم سه خدا را قبول داریم. این است که در آن تاریخ باز هم این قدم، قدمِ مترقّی‌تری بوده. قدمِ غلطی بوده ولی مترقّی‌تر بوده. این را پیاده کنیم، در یک محیط کوچکی ببینیم یا در یکی از این ادیان، ادیان ابراهیمی که یهود و مسیحیت و اسلام باشد، ادیان دیگر را کار نداریم و حال آنکه آنها هم خیلی زیاد هستند. نژاد زرد، ژاپنی‌ها و این‌طرف، نژادهای سیاه، اینها هر کدام ادیانی داشتند ولی دین اسلام و این ادیان ابراهیمی سعی کردند آنها را هم جلب کنند تا یک مقدار زیادی از بین رفتند، تعدادی از آنها به مسلمانی و به مسیحیت برگشتند. به این نظر این شعری که می‌گوید:

هیچ کافر را به خواری منگرید چون مسلمان مُردنش باشد امید

اگر با خلوص نیّت کار کند، خداوند بالاخره نجاتش می‌دهد.

عرفان یک دریچه‌ای است که از راه عرفان وارد اسلام بشود یعنی نمی‌شود فرض کنید یک‌مرتبه همان نژاد سیاه یا نژاد زرد که چند تا خدا برای خودش معتقد است، یک‌مرتبه بگوییم به یک خدا معتقد باش و حتماً هم باید هر روز صبح اینطوری نماز بخوانی. عرفان طریقِ راه رفتن است یعنی اوّل بفهمی که دنیا چیست؟ چه کسی آفریده؟ چرا آفریده؟ این همه دنیاهایی که هست ستاره‌ها، کیهان‌ها اینها را چه کسی آفریده؟ چرا آفریده؟ اینها چرا با هم در ارتباط هستند؟ آنوقت به تدریج اینها را کم‌کم بفهمانید بعد به آن بگویید: بله، اینها همه هست. آن کسی که اینها را آفریده، خیلی هم قدرت دارد. اَرْحَمَ‌الرَّاحِمِین هم هست.

در این مسیر، عرفان و تصوّف همیشه برای اینکه محیط آماده برای این راه‌یابی‌ها باشد، طالب صلح است. می‌گوید خداوند اگر قرار بود دو نفر با هم جنگ کنند و لااقل یکی از آنها از بین برود یا هر دوی آنها از بین بروند، اگر خداوند اینطور دلش می‌خواست از اوّل ایجاد نمی‌کرد، خلق نمی‌کرد. پس خداوند خلق کرده و شما اگر به او به‌عنوان اینکه خداوند خلقش کرده، توجّه بکنید، همان توجّه ثواب دارد. مثل اینکه فرض کنید الان خیلی می‌بینید یکی نقّاش مشهوری است، یک تابلوی نقّاشیِ خیلی مسخره و بچّگانه، می‌گویند این کار جوانیِ اوست! کار هر کس می‌خواهد باشد، این کار غلط است و این کار خوب است. این کار خوب، آن کار بد. خداوند اینها را آفریده پس برای این نیست که همینطوری بریزند به جان هم و هم را از بین ببرند. خداوند درست کرده ولی هدف ندارد برای اینکه اوّل و آخر و همه‌اش است ولی در مورد محیط صلح یک‌وقتی به‌عنوان مثال می‌گویند در آنوقت‌هایی که نمی‌دانم چه جنگ می‌کردند، گفته بود که ما برای حفظ صلح در دنیا جنگ می‌کنیم یعنی چه که برای حفظ صلح جنگ می‌کنید؟ بله! او البتّه دروغ گفته ولی حالا اگر کسی واقعاً بخواهد این محیط صلح را تبدیل به محیط جنگ کند، باید در مقابلش ایستاد، دفاع کرد. آن اسمش جنگ نیست دیگر، آن اسمش دفاع است که به همین دلیل دفاع هم واجب است.

بنابراین ما هم یعنی هر بشری وظیفه‌اش این است که صلح و آرامش را در جامعه حفظ کند اِلّا در مقابل کسی که می‌خواهد این آرامش و صلح را به هم بزند. ما هم باید چه شخصاً و چه جمع‌مان، به این مسأله توجّه کنیم. همین جمله‌ای که من بطور خلاصه گفتم: ما، در دوستی آب روانیم و در دفاع، (دشمنیِ به‌واسطه‌ی دفاع) سنگ خارا. همان آب

که می‌بینیم از آب شل‌تر چیزی نیست، همان آب وقتی یخ می‌بندد، در دریاهای شمال طوری سفت می‌شود که از روی آن اتومبیل رد می‌شود، ماشین رد می‌شود. به این محکمی است! حالا سنگ خارایی که از آن هم محکم‌تر است اوّل آب روان است، اگر به یخ و به دشمنی برخورد که دشمنی باشد، سنگ خارا می‌شود یعنی یخ می‌بندد از آن یخ‌ها تندتر. منتها این را بی‌جا اگر مقابل دشمن و در مقام دفاع به‌جای اینکه سنگ خارا باشیم، آب زلال باشیم می‌ریزیم و بالعکس در مقابل دوست اگر سنگ خارا باشید، دوست را اذیّت می‌کنید، از شما کناره می‌گیرد. همه‌ی اینها به‌جای خودش است و در تشخیص این باید آن عقلی که خداوند آفریده البتّه عقلی که از تصوّف و عرفان بو گرفته باشد، آن عقل را به‌کار ببریم.

ان‌شاءالله خداوند ما و شما و همه را حفظ کند. به ما قدرت این تشخیص را هم بدهد که کِی، چطوری کار کنیم؟ با هم خیلی مهربان باشید. به مُلک جهان با همدیگر دشمن نباشیم و در مقابل به مُلکِ تصرّفِ یک پشیزی یعنی یک قِرانی با هم دشمنی نکنیم. دل‌مان را بی‌مهر نکنیم. شعری هم می‌گوید که:

دل که افسرده شد از سینه برون باید کرد

مرده هر چند عزیز است نگه نتوان داشت

تشبیهی کرده ولی در ما این مِهر برای خداست. مِهر خدا و مخلوق خدا، خلقت خدا. فرض کنید مثلاً انگشتر من یک انگشتری است خیلی معمولی ولی من خیلی به آن علاقه‌مندم چون آن کسی را که دوست داشتم و مرید او بودم، این را به من داده یعنی اتّصال. این را در مقام دوستی داشته باشید. ان‌شاءالله خدا شما را از دشمنی بی‌نیاز کند.
(برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح یک‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۴/۲۱)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجّاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح‌الشریعة و مفتاح‌الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت‌وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.
جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه تلگرام بپیوندید.